



زبان قرآن  
عربی



جامع

تجربی ریاضی

از مجموعه مرشد

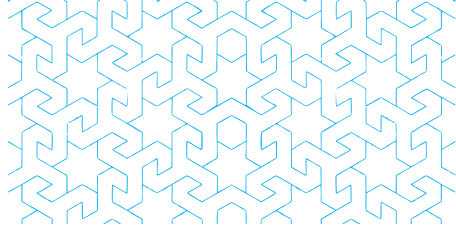
دهم



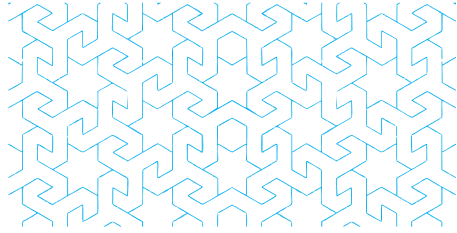
مهدی ترابی







UNIVERSITY  
OF  
MADRID



به نام خدایی که دوستان دارد....

وقتی به جهان پیرامون خودمان با دقت نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که سرعت تغییرات پدیده‌های اطرافمان آن قدر زیاد شده که گاهی نمی‌توانیم خودمان را با این تغییر مطابق کنیم و صادقانه، از خیلی از آنها جا می‌مانیم، یکی از این پدیده‌ها «کنکور سراسری» است که علی‌رغم جوانی و تازگی نظام جدید، در درس عربی، کاملاً بلوغ و تکامل در کنکورهای برگزار شده به چشم می‌خورد و به همین دلیل تمام سعی ما این بوده که هر سال این تغییر و تحولات را در کتاب عربی مبتکران لحاظ کنیم، اما در این راه یک مشکل بزرگ وجود داشت و آن هم زیاد شدن تعداد صفحات کتاب بود که برای رفع این مشکل تصمیم گرفتیم کتاب «عربی جامع کنکور» را به صورت سه جلدی، شامل «دهم جامع»، «یازدهم جامع» و «دوازدهم جامع» ارائه دهیم، به نحوی که دانش‌آموز را از خرید کتاب دیگری در درس عربی بی‌نیاز کند.

**این کتاب‌ها مطالب زیر را در بر خواهد گرفت:**

- تست‌های ترجمه، تعریب، قواعد، واژگان، درک مطلب، ضبط الحركات و تحلیل صرفی (سراسری و تالیفی)
- آموزش کامل قواعد و نکات ترجمه
- ترجمه خط به خط کتاب درسی
- لغت نامه کامل درس به درس
- حل تمرین‌های کتاب درسی
- مترادف و متضاد هر درس
- نمودار خلاصه قواعد و نکات ترجمه
- انواع فعل‌ها و مصدرهای هر درس
- مثال‌نامه‌ها برای بالا بردن تراز آزمون‌ها
- جمع‌های مکسر هر درس

**با تهیه این کتاب موارد زیر را به دست می‌آورید:**

**درس‌نامه:** در این قسمت تمام موضوعات قواعدی به طور کامل تدریس شده است.  
**نکته‌نامه:** نکات تستی و تشریحی و موارد فرعی درسنامه، در قالب «نکته‌نامه» آمده است.  
**اشتباه شونده‌ها:** مواردی که معمولاً در قسمت‌های قواعدی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود.  
**کارگاه ترجمه:** نکات ترجمه‌ای مربوط به هر درس که به صورت قالب ثابت در قسمت آموزش آورده شده و برای آزمون‌های تستی و تشریحی بسیار کاربردی است.  
**ترجمه خط به خط:** تمام متن‌های کتاب درسی به طور کامل، کلمه به کلمه و خط به خط ترجمه شده است.  
**المعجم:** لغت‌نامه‌ی کامل هر درس است که نسبت به لغت‌نامه‌ی کتاب درسی، لغات بیشتری در خود جای داده است.

**حل تمرین‌های کتاب:** تمام تمرین‌های کتاب درسی به صورت کامل و با توضیحات کافی حل شده است. (لازم به ذکر است بخش زیادی از تست‌ها مربوط به تمرین‌های کتاب است.)  
**مترادف - متضاد:** این بخش برای هر درس به‌طور جداگانه به شناخت ارتباطات معنایی کلمات کمک می‌کند.  
**جمع مکسر:** شناخت جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها در هر درس کمک قابل توجهی به حل تست‌ها می‌نماید.  
**انواع فعل:** تمام فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدرهایی که در هر درس از کتاب وجود دارد، به‌طور

جداگانه در جدول قرار گرفته است؛ چون اعتقاد داریم مهم‌ترین جزء عربی نظام جدید «فعل» است. مرور و جمع‌بندی در یک نگاه: قطعاً دانش‌آموزانی که در آزمون‌های آزمایشی شرکت می‌کنند، به خوبی این مسأله را درک می‌نمایند که داشتن یک خلاصه جامع و کامل و آماده می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

**مثال‌نامه:** شاید به جرأت یکی از ابتکارها و تفاوت اصلی این کتاب با سایر کتب بازار، مربوط به همین قسمت باشد، ما معتقدیم وقتی در هر درس از کتاب، تمام مثال‌های مربوط به قواعد آن درس را به طور کامل و یک‌جا ببینید، قطعاً می‌توانید در آزمون‌ها و حل تست‌ها موفق‌تر باشید، مثال‌نامه را خیلی جدی بگیرید!

**پرسش‌های چهارگزینه‌ای:** پس از پایان قسمت آموزش در این کتاب، حالا وقت آن است که با شکل تستی سؤالات آشنا شوید که در این قسمت پرسش‌های چهارگزینه‌ای به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. واژگان ( مترادف - متضاد). ۲. حواریات (گفت‌وگوها). ۳. ترجمه و تعریب. ۴. درک مطلب

۵. قواعد. ۶. پرسش‌های کنکور سراسری

**پاسخ‌نامه:** برای هر یک از پرسش‌های چهارگزینه‌ای، پاسخنامه تشریحی در انتهای کتاب قرار دارد و تلاش کرده‌ایم تا جایی که ممکن است در قسمت پاسخنامه به تحلیل تمام گزینه‌ها بپردازیم.

در روند تولید کتاب نیز معمولاً فقط نام مولف به چشم می‌آید درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پرتلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

#### سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران  
 جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

صفحه‌آرا: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.

سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.

تایپست: ناهید صبائی

گرافیکست و طراح جلد: بهاره خدای

سرکار خانم هدی معرفت‌جو که در ویرایش بخش‌هایی از کتاب همراه من بودند.

اعضای تیم آکادمی عربی، جناب آقای میثم تقی‌نژاد و محسن فلاح که به صورت پیگیر و مستمر در مراحل تولید و ویرایش کتاب تلاش و دلسوزی داشتند.

همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمانبرترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گران‌قدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر منت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام و اینستاگرام زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانقدر است.

مهدی ترابی

تلگرام: arabiacademy

اینستاگرام: arabiacademy



شماره صفحه

نام درس

درس اول ..... ۷

درس دوم ..... ۴۱

درس سوم و چهارم ..... ۷۵

درس پنجم ..... ۱۳۱

درس ششم ..... ۱۷۳

درس هفتم ..... ۲۰۵

درس هشتم ..... ۲۳۹



پاسخ نامه تشریحی ..... ۲۷۱

# الدرس الاول:

## محتوا دريک نگاه

قواعد اين درس شامل مرور تمام مباحث پایه (سال هفتم، هشتم و نهم) می باشد.

ارزیابی محتوا: قواعد اين درس حجم نسبتاً زیادی را به خود اختصاص می دهد. [این قواعد ممکن است در کنکور سراسری سؤال مستقل نداشته باشد، ولی به عنوان پایه مباحث بعدی، یادگیری آنها ضروری است.]

در عربی دوره اول (هفتم - هشتم - نهم) با قواعدی آشنا شدید که به‌طور پایه‌ای در عربی دوره دوم (دهم - یازدهم - دوازدهم) به آن نیاز داریم.

به‌طور کلی «کلمه» در زبان عربی به سه گروه تقسیم می‌شود:

اسم  
فعل  
حرف

ابتدا به بررسی «اسم» می‌پردازیم؛ اسم تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، «جنسیت» و «تعداد» است.

اسم از نظر جنس:

مذکر: اسمی که بر جنس «نر» دلالت می‌کند.

مؤنث: اسمی که بر جنس «ماده» دلالت می‌کند.

۱) مذکر ← علامت خاصی (مانند «ة») ندارد و فقط بر جنس (با شیء<sup>۱</sup>) نر تأکید دارد.

نمونه: رَجُل (مرد) / أَب (پدر) / أَسَد (شیر) / كِتَاب (کتاب)

۱) دارای علامت تأنیث: علامت اصلی آن (ة) است که به انتهای کلمه اضافه می‌شود.

نمونه: طَالِبَة (دانش‌آموز (دختر)) / شَجَرَة (درخت)

۲) مؤنث ← بدون علامت تأنیث (قراردادی): بر جنس ماده دلالت می‌کند و علامتی ندارد.

نمونه: أُم (مادر) / اسم شهرها و کشورها (ایران) / اعضای زوج بدن (يَد = دست)

۱) حرف (ة / ة) ← نمونه: مَكْتَبَة

۲) حرف (اء) که زائد باشد ← نمونه: صحراء

۳) الف مقصوره (ئ) یا (ا) زائد ← نمونه: كُبْرَى - دُنْيَا

علامت‌های تأنیث (مؤنث بودن) اسم

نکته نامه

۱) کلماتی مانند (دواء، ماء، فتي و...) علامت مؤنث ندارند؛ زیرا اگر (اء) یا (ئ) را از آخر این اسم‌ها برداریم یک یا دو حرف بیشتر باقی نمی‌ماند؛

یعنی (اء) یا (الف مقصوره) در این اسم‌ها جزء ساختمان اسم است و علامت مؤنث به حساب نمی‌آید، بنابراین آنها را مذکر به حساب می‌آوریم.

۲) برای تشخیص جنسیت در اسم‌های جمع، باید به «مفرد» آن اسم نگاه کنید.

فقراء (جمع) ← مفرد ← فقير (مذکر)

نمونه: مؤنث

خضراء (مفرد) ← مؤنث

۳) موارد زیر در زبان عربی به‌طور قراردادی مؤنث به حساب می‌آیند:

۱) اسامی شهرها - کشورها - قاره‌ها - قبیله‌ها: طهران - ایران - اوروبَّا - قریش

۲) اعضای زوج (دو تایی) بدن: يد (دست) / رِجْل (پا) / عَيْن (چشم) / أُذُن (گوش)

۳) اسم‌هایی که بر انسان یا حیوان ماده دلالت کند ولی علامت مؤنث در آخرش نداشته باشد:

أُم (مادر) / أُخْت (خواهر) / مَرِيْم و...

۴) اسم‌هایی که به‌طور «حفظی» به عنوان مؤنث باید یاد بگیرید:

أَرْض (زمین) / شَمْس (خورشید) / سَمَاء (آسمان) / دَار (خانه) / نَار (آتش) / حَرْب (جنگ) / بَيْتَر (چاه) / رِيح (باد) / حَال (حالت)

/ نَفْس (خود) / عَصَا

۱- در تقسیم‌بندی‌های مذکر و مؤنث، مواردی که بر انسان یا حیوان دلالت نمی‌کند را اصطلاحاً «مجازی» می‌گویند. بر این اساس اسمی مانند «شجره» مؤنث مجازی و اسمی

مانند «کتاب» مذکر مجازی است. (البته تقسیم‌بندی حقیقی و مجازی جزء اهداف کنکور نیست.)





## اشتباه شونده‌ها

اسمی که آخرش (ة / آ) دارد به شرطی مؤنث است که «مفرد» باشد.

شجرة (مفرد) ← مؤنث      إخوة (جمع) ← مفرد ← أخ (مذکر)  
 طَلَبَة (جمع) ← مفرد ← طالب (مذکر)

## درس‌نامه

### اسم از نظر تعداد:

**مفرد:** اسمی که فقط بر یک نفر یا یک چیز دلالت می‌کند. مانند: کتاب، تلمیذ

**مثنی:** اسمی که بر دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و با اضافه شدن (ان - ین) به اسم مفرد ساخته می‌شود.

**نمونه:** معلمان - معلمین

**جمع:** اسمی که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و دو نوع دارد:

۱- جمع مکسر: قاعده و قانون ندارد و شنیدنی و حفظی است. **نمونه:** فقیر ← فقراء / صغیر ← صغائر

۲- جمع سالم

**جمع مؤنث سالم:** از آخر اسم مفرد، «ة / آ» حذف و سپس «ات» اضافه می‌شود.

معلمة - ← معلم + ات ← معلمات

**جمع مذکر سالم:** با افزودن (ون - ین) به اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود. **نمونه:** (معلمون - معلمین)

### اسم از نظر تعداد

### جمع سالم

## نکته‌نامه

۱) برخی اسم‌ها در زبان عربی بیش از یک جمع مکسر دارند: مانند:

أخ (إخوان - إخوة)      نفس (أنفس - نفوس)      طالب (طلاب - طلبَة)      عین (أعین - عیون)

## اشتباه شونده‌ها

۱) کلمات «أصوات، أوقات، أموات، آیات» با اینکه به «ات» ختم شده‌اند، ولی جمع مؤنث سالم نبوده و جمع مکسر هستند.

أوقات ← مفرد ← وقت / أصوات ← مفرد ← صوت / أموات ← مفرد ← مَیْت - مَیْت / آیات ← مفرد ← بَیْت

\* «بَیْت» به معنی «خانه»، جمع مکسرش «بُیوت» است.

۲) اسم‌هایی مانند «عطشان، ایمان، انسان، کتمان و...» نیز «ان» دارند ولی اسم مثنی نیستند.

۳) اسم‌هایی مانند «مساکین، شیاطین، قوانین و...» نیز «ین» دارند ولی جمع مذکر سالم نبوده و جمع مکسر هستند.

### نمونه تست:

عَیْن ما لیس فیہ جمع سالم للمؤنث:

۱) من صفات المؤمنین بشاشة الوجه!

۲) دَفَعْتُ له مقداراً من الریالات اتی کانت معی!

۳) الأرض کُرّة من الکرات فی الفضاء!

۴) الذین یقتلون فی سبیل الله لیسوا من الأموات!

پاسخ تست: **گزینه ۴**

کلمه «الأموات» جمع مکسر کلمه «میت» یا «مَیْت» است و جمع مؤنث سالم به حساب نمی‌آید.

### بررسی گزینه‌ها:

در سایر گزینه‌ها کلمات «صفات - ریالات - کرات» جمع مؤنث سالم هستند که مفرد آنها به ترتیب «صفة - ریال - کرة» می‌باشد.

**نکته:** به جز اسم‌های مفردی که آخرشان «ة - آ» دارد، اسامی غیر عربی مانند «دلار - ریال - بُرتقال و...» نیز با «ات» جمع بسته می‌شوند.

## درس نامه

### اسم اشاره

اسمی که برای اشاره به اشخاص و اشیاء به کار می‌رود، به صورت زیر تقسیم می‌شود:

جمع	مثنی	مفرد	جنس		اسم اشاره
هؤلاء (اینان)	هَذَانِ - هَذَيْنِ (این دو)	هَذَا - ذَا (این)	مذکر	نزدیک	
	هَاتَانِ - هَاتَيْنِ (این دو)	هَذِهِ (این)	مؤنث		
اولئك (آنان)	.....	ذَلِكَ - ذَاكَ (آن)	مذکر	دور	
	.....	تِلْكَ (آن)	مؤنث		

## نکته نامه

۱) برای اشاره به مکان از الفاظ «هنا: اینجا»، «هناک، هنالك: آنجا» استفاده می‌شود.

۲) اسم بعد از اشاره اگر «أل» نداشته باشد، حتماً نقش «خبر» دارد. هَذَا کتابٌ.  
 مبتدا خبر

۳) اسم اشاره از نظر جنس و تعداد با اسم بعدش مطابقت می‌کند.  
 هذا الكتاب / هذه المدرسة / هؤلاء التلاميذ

## اشتباه شونده ها

- ۱) اگر اسم بعد از اشاره، «جمع غیر انسان» باشد، اسم اشاره به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. هذه کُتُبٌ.  
 مفرد مؤنث جمع غیر انسان
- ۲) اسم اشاره «هؤلاء» و «اولئك» برای مذکر و مؤنث به طور یکسان به کار می‌رود.

## کارگاه ترجمه

- ۱) اگر اسم بعد از اشاره، «أل دار» باشد، اسم اشاره همواره «مفرد» ترجمه می‌شود:  
 هذا التلميذ ..... : این دانش آموز .....  
 هؤلاء التلاميذ ..... : این دانش آموزان .....
- ۲) اگر اسم بعد از اشاره «بدون أل» باشد، اسم اشاره طبق صیغه خودش ترجمه می‌شود:  
 هذا تلميذ ..... : این دانش آموزی .....  
 هؤلاء تلاميذ ..... : اینها دانش آموزانی .....
- ۳) «هناک» در ابتدای جمله اگر بعدش «اسم» آمده باشد، به معنی «وجود دارد - هست» ترجمه می‌شود.  
هناک مَحْفَظَةٌ نَظِيفَةٌ عَلَي الْمُنْضَدَةِ: کیف تمیزی بر روی میز وجود دارد.

### نمونه تست:

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «هؤلاء شاعراتٌ و لهنَّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عميق!»

- اینها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!
- اینان شاعر هستند و اشعار دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق دارد!
- این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساس عمیق!
- این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

چون بعد از اسم اشاره، کلمه «شاعرات» بدون «أل» آمده، ترجمه مناسب برای «هؤلاء» به صورت «اینها - اینان» صحیح است (ردگزینه‌های ۳ و ۴) «شاعرات» جمع است (ردگزینه ۲)



معنا	کلمه پرسشی	معنا	کلمه پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	هَلْ / أ
اهل کجا	مِنْ أَيْنَ	چه کسی	مَنْ
چه مقدار	كَمْ	برای چه کسی	لِمَنْ
چگونه	كَيْفَ	چه چیزی	مَا / ماذا
چه زمانی	مَتَى	چرا	لِمَاذَا / لِمَ
از چه چیزی / از چه کسی	مِمَّ / مِمَّنْ	کدام	أَيَّ

نکته نامه

- از بین کلمات پرسشی، «هل - أ» حرف استفهام و مابقی اسم استفهام هستند.
  - در جواب «هل - أ» از «نعم - لا» استفاده می‌کنیم. هل أنت متكاسل؟ لا - أنا نشيط
  - در جواب «مَنْ» از نام یا عنوان یا شغل انسان و در جواب «ما» غیرانسان استفاده می‌شود.
  - زمان فعل در جمله پرسشی و جمله پاسخ باید یکسان باشد.
  - در پاسخ به کلمه پرسشی «لِمَ یا ماذا» از ترکیب «لِأَنَّ: زیرا - برای اینکه» استفاده می‌کنیم.
- نمونه: لِمَ يذهبُ إلى السوق؟ لِأَنَّهُ يقصد شراء القماش.

اشتباه شونده‌ها

- صیغه فعل در جمله پرسشی با صیغه فعل در جمله پاسخ، لزوماً یکی نیست و گاهی طبق الگوهای زیر با هم تفاوت دارد:  
الف) اگر سؤال دوم شخص مفرد (مفرد مخاطب) باشد، جواب اول شخص مفرد (متکلم وحده) می‌آید:  
هل تذهبُ إلى الشارع مُسرِعاً؟ نعم، أذهبُ.  
مفرد مخاطب / متکلم وحده
- اگر سؤال دوم شخص جمع (جمع یا مثنی مخاطب) باشد، جواب سوم شخص جمع (متکلم مع الغیر) است.  
هل تذهبون إلى الشارع مُسرِعین؟ نعم، نذهبُ.  
جمع مخاطب / متکلم مع الغیر

نمونه تست:

أَيُّ جَوَابٍ مِنْ أَدْوَاتِ الِاسْتِفْهَامِ لَا يَنْبَغُ لـ: «قَالَ الْمَعْلَمُ: اسْتِعْمَالُ الْجَوَالِ فِي الصِّفِّ غَيْرُ مَسْمُوحٍ، لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ الْمَشَاغِبَةَ.»

- ۱ من      ۲ أين      ۳ لِمَ      ۴ كيف

پاسخ تست: گزینه ۴

«كيف» به معنی «چگونه» برای پرسیدن سؤال از این عبارت مناسب نیست.  
مَنْ ← چه کسی (قال المعلم ← معلم گفت ← چه کسی ← معلم)  
أَيْنَ ← کجا (في الصف ← در کلاس ← کجا ← کلاس)  
لِمَ (لماذا) ← چرا - برای چه (لأنه يُسَبِّبُ ... ← زیرا آن سبب می‌شود ← چرا ← زیرا ...)

درس نامه

یافتن وزن و حروف اصلی

معمولاً کلمات در زبان عربی، دارای ریشه ۳ حرفی (۳ حرف اصلی) می‌باشند و حروف دیگری را که علاوه بر این ریشه، در کلمه دیده می‌شوند، حروف اضافه یا زائد آن کلمه می‌گوییم.



برای به دست آوردن وزن کلمات، به جای سه حرف اصلی کلمه، حروف ( فـ عـ ل ) را جایگزین کنید، آنگاه وزن کلمه به دست می‌آید.

استغفار

↓  
استفعال

معلوم

↓  
مفعول

## درس نامه

### انواع فعل

ساخت فعل در عربی ◀ منظور از صیغه در عربی، همان شخص در زبان فارسی، یعنی همان (من / تو / او / ...) است.

وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی		وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی	
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	اول شخص جمع (ما)		فَعَلْتُ / ذَهَبْتُ	اول شخص مفرد (من)	
فَعَلْتُمْ / ذَهَبْتُمْ	مذکر	دوم شخص جمع (شما)	فَعَلْتَ / ذَهَبْتَ	مذکر	دوم شخص مفرد (تو)
فَعَلْتُنَّ / ذَهَبْتُنَّ	مؤنث		فَعَلْتِ / ذَهَبْتِ	مؤنث	
فَعَلُوا / ذَهَبُوا	مذکر	سوم شخص جمع (آنها)	فَعَلَ / ذَهَبَ	مذکر	سوم شخص مفرد (او)
فَعَلْنَ / ذَهَبْنَ	مؤنث		فَعَلَتْ / ذَهَبَتْ	مؤنث	
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	سوم شخص مثنی (مؤنث)		فَعَلَا / ذَهَبَا	سوم شخص مثنی (مذکر)	
فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مؤنث)		فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مذکر)	
وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع		وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع	
تَفَعَّلُ / تَذَهَّبُ	اول شخص جمع (ما)		أَفْعَلُ / أَذْهَبُ	اول شخص مفرد (من)	
تَفَعَّلُونَ / تَذَهَّبُونَ	مذکر	دوم شخص جمع (شما)	تَفَعَّلُ / تَذَهَّبُ	مذکر	دوم شخص مفرد (تو)
تَفَعَّلْنَ / تَذَهَّبْنَ	مؤنث		تَفَعَّلِينَ / تَذَهَّبِينَ	مؤنث	
يَفْعَلُونَ / يَذَهَّبُونَ	مذکر	سوم شخص جمع (آنها)	يَفْعَلُ / يَذَهَّبُ	مذکر	سوم شخص مفرد (او)
يَفْعَلْنَ / يَذَهَّبْنَ	مؤنث		يَفْعَلُ / يَذَهَّبُ	مؤنث	
يَفْعَلَانِ / يَذَهَّبَانِ	سوم شخص مثنی (مؤنث)		يَفْعَلَانِ / يَذَهَّبَانِ	سوم شخص مثنی (مذکر)	
يَفْعَلَانِ / يَذَهَّبَانِ	دوم شخص مثنی (مؤنث)		يَفْعَلَانِ / يَذَهَّبَانِ	دوم شخص مثنی (مذکر)	



۱) فعل‌های مضارع در صیغه‌های «لِغَائِبَةٍ» (هی) و «لِلْمَخَاطَبِ» (أنت) و نیز در ۳ صیغه از منهاها از نظر ظاهری یکسان هستند. (لِلغَائِبَتَيْنِ، لِلْمَخَاطِبَيْنِ، لِلْمَخَاطِبَتَيْنِ)

نمونه:

تَذْهَبُ	می‌روی (لِلْمَخَاطَبِ)	تَذْهَبَانِ	می‌روند (لِلغَائِبَتَيْنِ)
	می‌رود (لِلغَائِبَةِ)		می‌روید (لِلْمَخَاطِبَيْنِ)

۲) اگر در جمله مورد نظر یکی از نشانه‌های «یا، أيتها، اللهم، ...» مشاهده کردید معمولاً از فعلی در صیغه مخاطب باید استفاده کنید.

فعل و ساختارهای اولیه آن

نوع فعل	مثبت / منفی	فرمول سافمت	مثال + ترجمه
ماضی	مثبت	فعل عادی	هُوَ ذَهَبَ ◀ او رفت
	منفی	ما + فعل	هُوَ مَا ذَهَبَ ◀ او نرفت
مضارع	مثبت	ي / ت / ن / أ + فعل ماضی	أنتما تَذْهَبَانِ ◀ شما می‌روید
	منفی	لا + فعل مضارع	أنت لا تَذْهَبُ ◀ تو نمی‌روی
آینده (مستقل)	مثبت	سَ / سوفَ + فعل مضارع	نحنُ سَنَذْهَبُ ◀ خواهیم رفت
امر (مخاطب)	.....	حذف حرف اول (ت) مضارع مجزوم <sup>(۱)</sup>	إِذْهَبْ ◀ برو
نهی	.....	لا + مضارع مجزوم	لا تَذْهَبْ ◀ نرو

روش سافمت فعل امر مخاطب ◀ از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص مفرد به بعد) ساخته شود.

مثال	مراحل تبدیل فعل مضارع به امر
تَذْهَبُ ◀ ذَهَبُ	۱ حرف (ت) را از ابتدای فعل حذف می‌کنیم.
ذَهَبُ ◀ اذْهَبُ	۲ اگر اولین حرف بعد از حذف (ت) ساکن (س) باشد، به جای آن (ا) می‌گذاریم.
اذْهَبُ ◀ اِذْهَبُ	۳ علامت (ا) را با توجه به حرف بعد از ساکن تعیین می‌کنیم، اگر (س) باشد، از (ا) و اگر (سِ) باشد از (اِ) استفاده می‌کنیم.
اِذْهَبُ ◀ اِذْهَبْ	۴ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.

روش سافمت فعل نهی ◀ نهی در واقع دستور به انجام ندادن کاری است. (از تمام صیغه‌های مضارع ساخته می‌شود).

مثال	مراحل تبدیل فعل مضارع به امر
تَذْهَبُ ◀ لا تَذْهَبُ	۱ حرف (لا) را در ابتدای فعل اضافه می‌کنیم.
لا تَذْهَبُ ◀ لا تَذْهَبْ	۲ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.

۱- مجزوم کردن: یعنی حرکت «س» به «سَ» تبدیل شود و در صیغه‌های دارای «نون»، «نون» از آخر فعل مضارع حذف شود، به جز دو صیغه جمع مؤنث که تغییرناپذیرند. (يَذْهَبْنَ)

## کارگاه ترجمه

۱) اگر «کان» به ابتدای فعل مضارع اضافه شود، این ترکیب معادل «ماضی استمراری فارسی» ترجمه می‌شود.

**نمونه:** کان یَذْهَبُ: می‌رفت

برای منفی شدن این ترکیب، می‌توانیم به ابتدای «کان» که فعل ماضی است، «ما» اضافه کنیم و یا به ابتدای فعل مضارع، «لا» اضافه کنیم. ما کان یَذْهَبُ = کان لا یَذْهَبُ: نمی‌رفت

۲) «مثنی و جمع» فعل‌های عربی و «مذکر و مؤنث» آنها در فارسی دقیقاً یکسان ترجمه می‌شود.

می‌رود	یَذْهَبُ (لِلغائب)
تذهَبُ (لِلغائبة)	

می‌روند	یَذْهَبَان (لِلغائبین)
تذهَبَان (لِلغائبتین)	

۳) فعل امر و نهی، اگر مربوط به صیغه‌های مخاطب باشد به صورت دستور مثبت یا منفی فارسی ترجمه می‌شود.

**نمونه:** اِذْهَبْ: برو | لا تَذْهَبْ: نرو

ولی اگر مربوط به صیغه‌های غایب یا متکلم باشد به صورت مضارع التزامی مثبت یا منفی و به همراه (باید) یا (نباید) ترجمه می‌شود.

**نمونه:** لِيَذْهَبْ: باید برود | لا يَذْهَبْ: نباید برود

اگر به ابتدای فعل مضارع، «س» (سوف) اضافه شود به صورت آینده مثبت ترجمه می‌شود.

## نکته‌نامه

۱) برای منفی کردن فعل ماضی فقط از «ما» استفاده می‌شود ولی برای فعل مضارع هم می‌توانیم از «ما» و هم می‌توانیم از «لا» استفاده کنیم که البته آخر فعل در هر صورت نباید تغییر کند.

**نمونه:** ما ذَهَبَ: نرفت | (لا - ما) یَذْهَبُ: نمی‌رود

۲) برای منفی کردن فعل مستقبل (آینده) از حرف «لن» به جای «س» یا «سوف» استفاده می‌کنیم. [در عربی یازدهم این نکته را کامل خواهیم گفت]. سوف یَذْهَبُ: خواهد رفت | لن یَذْهَبُ: نخواهد رفت.

۳) در ساختن فعل امر مخاطب، در صورتی که بعد از حذف کردن «ت»، اولین حرف دارای حرکت باشد (ساکن نباشد) نباید به ابتدای فعل، همزه اضافه کنیم. تَعْلَمُونَ ◀ تَعْلَمُوا ◀ عِلْمُوا

## اشتباه شونده‌ها

۱) صیغه‌های جمع مؤنث غایب (یَذْهَبْنَ) و جمع مؤنث مخاطب (تَذْهَبْنَ) در مجزوم کردن دچار تغییر نمی‌شوند، بنابراین وقتی لا در کنار این صیغه‌ها مشاهده کردید، باید حتماً به ترجمه فعل در جمله توجه کنید تا نفی یا نهی بودن فعل را متوجه شوید.

لا نهی	نبايد بروند	لا نهی	نروید
<b>نمونه:</b>	یَذْهَبْنَ	تَذْهَبْنَ	نمی‌روید
لا نفی	نمی‌روند	لا نفی	نمی‌روید

۲) تفاوت لا ناهیه و لا نافیة در این است که:

لا ناهیه	مجزوم می‌کند.
لا نافیة	منفی ساده ترجمه می‌شود.

۳) فعل مضارع در ابتدای خود یکی از حروف «ی ت ن ا» را دارد و در آخرش نیز همواره «ئ» یا «ن» مشاهده می‌شود، بنابراین فعلی مانند «تَعَلَّمَ» یا «تَكَاسَلَ» که در ابتدای خود «ت» دارد به خاطر اینکه آخرش «ئ» یا «ن» ندارد مضارع نبوده و ماضی هستند.

۴) فعل «امر مخاطب» با روشی که در درسنامه گفته شد، ساخته می‌شود و روش ساختن امر از صیغه‌های غایب و متکلم مضارع به شکل دیگری است که نباید به هیچ عنوان روش امر ساختن را جابه‌جا انجام دهید:

لِ+ صیغه‌های غایب و متکلم مضارع مجزوم ◀ امر غایب و متکلم  
لِيَذْهَبْ: باید برود



نمونه تست:

عَيْنَ العبارة التي جاء فيها فعل المضارع للنهي:

١ لا تُصَيِّعُ وقتك عند الإمتحانات، أيها التلميذ!

٣ هما لا يتبعان من صعوبات الحياة!

٢ لا تذهب الطالبة إلى المدرسة قبل بداية الصفا!

٤ أيّتها الطالبات! لماذا لا تسألن عن هذه الأسئلة الصعبة!

پاسخ تست: **گزینه ١**

همان طور که می دانید در صیغه های «نون دار» فعل مضارع برای ساختن فعل نهی، باید نون حذف شود (به جز صیغه های جمع مونث) بنابراین گزینه «٣» قطعاً فعل نهی ندارد. (به خاطر «لا يتبعان») اما در سایر گزینه ها چون علامت آخر فعل قرار داده نشده باید به کمک ترجمه تشخیص دهید که فعل نهی دارد یا خیر.

گزینه «١»: ای دانش آموز، در هنگام امتحانات وقتت را تلف نکن (نهی)

گزینه «٢»: دانش آموز قبل از شروع کلاس به مدرسه نمی رود (نباید برود) (نهی نیست)

گزینه «٤»: ای دانش آموزان، چرا درباره این سؤال های سخت سؤال نمی کنید؟ (نهی نیست)

نمونه تست:

ای جواب غیر مناسب للفراغ: «المؤمنون ..... إلى الفقراء و المساكين»

١ يُحْسِنُونَ

٢ أَحْسَنُوا

٣ أَحْسَنْتُمْ

٤ كانوا يُحْسِنُونَ

پاسخ تست: **گزینه ٢**

با توجه به اینکه در جمله، نشانه ای برای مخاطب بودن وجود ندارد، گزینه «٣» نمی تواند در جای خالی قرار گیرد و جواب تست می باشد. در سایر گزینه ها به ترتیب (مضارع - ماضی - ماضی استمراری) در صیغه غایب داریم که مناسب جای خالی هستند.

ترجمه خط به خط

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الأَنْعَامُ: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را بنهاد.

ذاک هُوَ اللهُ: آن همان خداست.

- |  |                                 |  |
|--|---------------------------------|--|
| ١. أَنْظِرْ لِنَلِّكَ الشَّجَرَةَ      | ذاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ     | به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن.             |
| ٢. كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ          | وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً      | چگونه از دانه ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟               |
| ٣. فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مِنْ ذَا الَّذِي | يُخْرِجُ مِنْهَا النَّعْمَةَ    | پس جست و جو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می آورد؟ |
| ٤. وَ أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي | جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً        | و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.          |
| ٥. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا             | حَرَارَةٌ مُتَشِيرَةٌ           | در آن روشنایی هست و با آن گرمایی پراکنده هست.            |
| ٦. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا        | فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ | چه کسی آن را در فضا مانند پاره آتش پدید آورد؟            |
| ٧. ذَاكَ هُوَ اللهُ الَّذِي            | أَنْعَمَ مِنْهُمْ               | او همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است.                |
| ٨. ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ              | وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ        | دارای دانشی کامل و نیرویی توانمند است.                   |
| ٩. أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ     | أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ         | به شب نگاه کن؛ پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد؟         |
| ١٠. وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ              | كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ     | و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟   |
| ١١. وَ أَنْظِرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ  | أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ        | و به ابر نگاه کن؛ چه کسی از آن باران را نازل کرد؟        |

الشَّاعِرُ: معروف الرصافي، شاعر عراقي من أب كُرْدِي النَّسَبِ وَ أُمُّ تُرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.

شاعر: معروف الرصافي است، شاعر عراقی از پدری كُرد نَسَب و مادری تركمن، كه آثار زیادی در نثر و شعر دارد.

أَنْجُم: ستارگان «مفرد: نَجْم»	ذات: دارای	قُل: بگو
أَنْزَلَ: نازل کرد	ذاک: آن	مُسْتَعْرَة: فروزان
أَنْعَم: نعمت‌ها «مفرد: نَعْمَة»	ذو: دارای	مُنْهَمِرَة: ریزان
أَوْجَدَ: پدید آورد	زَان: زینت داد	نَضْرَة: تر و تازه
بالغ: کامل	شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)	نَمَتْ: رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»
إِجْتَحَ: جست‌وجو کن	مُنْتَشِرَة: پراکنده	مُقْتَدِرَة: توانمند
عَیْم: ابر	مَطَار: فرودگاه	حِوَار: گفت‌وگو
المَوْطَف: کارمند	إِلَى اللِّقَاءِ: به امید دیدار	الغالیة: گران
ضیاء: روشنایی	البَطَارِيَّة: باطری	الدَّلِيل: راهنما
الرُّجَاح: شیشه	مسموح: مجاز	نَام: خوابید
یمین: راست	مُجِدَّ: کوشا - تلاش‌گر	راسب: مردود
رخیص: ارزان	شراء: خریدن	بِیْع: فروختن
تعارُف: آشنایی	قاعة: سالن	مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه
أن أسافر: که سفر کنم	تَرْجِمَ: ترجمه کن	ضَع: بگذار
یدور: می‌چرخد	فراغ: جای خالی	مُسْتَعِينًا ب: با استفاده از
جذوة: پاره آتش	مَنْ ذَا: این کیست؟	يُخْرِجُ: در می‌آورد، خارج می‌کند
دُز: مرواریدها (مفرد: دُر)	غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)	ذَا: این - هذا

حوار

در گروه‌های دو نفره شبیه‌گفت‌وگویی زیر را در کلاس اجرا کنید.

التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ / آشنایی در فرودگاه نجف اشرف

أَحَدُ الْمُؤَطَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه	زائِرٌ مَرَقَدٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ (ع) زائر مرقد امیر مومنان علی (ع)
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و سلام و رحمت خداوند و برکاتش بر شما	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سلام بر شما
صَبَاحَ النُّورِ وَ الشُّرُورِ صبح به روشنایی و شادی	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي صبح بخیر ای برادرم
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم و تو چطوری؟	كَيْفَ حَالُكَ؟ حالت چطوره؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ بیخشید، اهل کجایی؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. خوبم خدا رو شکر
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم شریف‌ت چیه؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ من از جمهوری اسلامی ایران هستم.
اسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ اسم من عبدالرحمن است.	اسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم من حسین است و اسم شریف‌ت چیه؟





هل سافرت إلى إيران حتى الآن؟ آیا تا حالا به ایران سفر کردی؟	لا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه؛ متأسفانه. ولی من دوست دارم که سفر کنم.
إن شاء الله تُسَافِرُ إلى إيران! اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی.	إن شاء الله؛ إلى اللقاء؛ مَعَ السَّلَامَةِ اگر خدا بخواهد؛ به امید دیدار؛ به سلامت
في أمان الله در امان خدا	في أمان الله وَ حِفْظِهِ، يا حَبِيبِي در امان و حفظ خدا، ای دوست من

## تمرین ۱

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ، وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. این جمله‌ها را ترجمه کن و نوع فعل‌ها را بنویس.

نوع فعل	ترجمه فارسی	جمله
امر	نامه‌ات را بنویس.	اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ
نهی	بر دیوار ننویس.	لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ
امر	تکالیفاتان را بنویسید.	اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ
مضارع نفی	آنها با سرعت نمی‌نویسند.	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ
مستقبل	درس‌ها را خواهیم نوشت.	سَأَكْتُبُ دَرْسِي
مستقبل	قطعا ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا
ماضی منفی	تمرین‌هایتان را ننوشتید.	مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ
(كان + فعل مضارع) معادل ماضی استمراری	با دقت می‌نوشتند.	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ

## تمرین ۲

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعِ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»: در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافی است»

۱. أَلشَّرَرَةُ: قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.

**ترجمه:** اخگر: پاره‌ای از آتش است.

۲. أَلشَّمْسُ: جَدْوَلُهَا مُسْتَعْرَبَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

**ترجمه:** خورشید: پاره آتش آن فروزان است، در آن روشنایی است و به وسیله آن گرمایی پراکنده است.

۳. أَلقَمَرُ: كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.

**ترجمه:** ماه: ستاره‌ای است که به دور زمین می‌چرخد، روشناییش از خورشید است.

۴. أَلأنْعَمُ: نَعْمَتُهَا: لَغْتٌ أَضَافِيٌّ اسْت.

۵. أَلغَيْمُ: بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ أَلْمَطَرُ.

**ترجمه:** ابر: بخاری متراکم (فشرده و انبوه) در آسمان است که باران از آن می‌بارد.

۶. أَلفُسْتَانُ: مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

**ترجمه:** پیراهن زنانه: از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف است.

۷. أَلدَّرُّورُ: مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ أَلْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ أَلأَبْيَضِ.

**ترجمه:** مرواریدها: از سنگ‌های زیبای گران‌قیمت دارای رنگ سفید هستند.



### تمرین ۳

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. اَيْنَ جُمْلَةٍ هَا وَ تَرْكِبِهَا رَا دَر جَايِ مَنَاسِبِش قَرَار بَدَه.  
هُؤَلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَذَا دَلِيلَانِ / تَلِكُ الْبَطَّارِيَّةُ / أَوْلَئِكَ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذکر	مثنى مؤنث
تلك البطارية: آن باطری	هذان الدليلان: این دو راهنما	هاتان زوجتان: اینها دو شیشه هستند
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
أولئك الصالحون: آن نیکوکاران	هؤلاء فائزات: اینها برنده‌اند	هؤلاء الأصدقاء: این دوستان

### تمرین ۴

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اَكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. وَزْنَ كَلِمَاتِ زَيْرِ وَ حُرُوفِ أَصْلِي أَنَهَا رَا بِنُويِس.

كلمات	وزن	وزن	وزن	مروف اصلی
ناصر، منصور، أنصار	فاعل	مفعول	أفعال	ن ص ر
صبار، صبور، صابر	فَعَال	فَعُول	فاعل	ص ب ر

### تمرین ۵

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (= ≠) مُتَرَادِفَا هَا وَ مُتَضَادَا هَا رَا دَر جَايِ خَالِي مَنَاسِبِ بَگِذَار.  
ضِيَاءُ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ

رَخِيصَةٌ (ارزان) ≠ غَالِيَةٌ (گران)	رَاسِبٌ (مردود) ≠ نَاجِحٌ (قبول)	يَسَارٌ (چپ) ≠ يَمِينٌ (راست)
بَيْعٌ (فروش) ≠ شِرَاءٌ (خرید)	بِدَايَةٌ (شروع) ≠ نِهَائِيَةٌ (پایان)	بَعِيدٌ (دور) ≠ قَرِيبٌ (نزدیک)
رَقْدٌ = نَامٌ (خوابید، بستری شد)	قَبِيحٌ (زشت) ≠ جَمِيلٌ (زیبا)	نور = ضِيَاءٌ (روشنایی)
خَزِينٌ (ناراحت) ≠ مَسْرُورٌ (شاد)	مُجْتَهِدٌ = مُجَدِّدٌ (کوشا)	مَمْنُوعٌ (منع شده) ≠ مَسْمُوحٌ (مجاز)

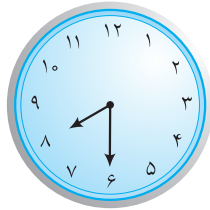
### تمرین ۶

أرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. عَقْرِبَهُ هَايِ سَاعَتِ هَا رَا بَكْش.

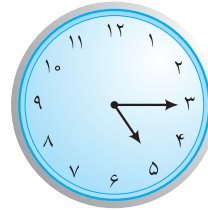
السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا  
(پنج و چهل و پنج دقیقه)



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ  
(هشت و نیم)



الخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ  
(پنج و پانزده دقیقه)



### مترادفها (=)

أَوْجَدَ = أَخَدَتَّ	مُجْتَهِدٌ = مُجِدِّدٌ	أَبٌ = وَالِدٌ	غَيْمٌ = سَحَابٌ	أَنْجُمٌ = كَوَاكِبٌ
جَذْوَةٌ = شَرَّرَةٌ	رَقَدَ = نَامَ	أُمٌّ = وَالِدَةٌ	مَهْلًا = صَبْرًا	ضَوْءٌ = نُورٌ

### متضادها (≠)

رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ	يُقْتَلُ ≠ يُحْيَى	يَبِّعُ ≠ يَشْرِي	رِجَالِيٌّ ≠ نِسَائِيٌّ	اِفْتِتَاحٌ ≠ اِخْتِتَامٌ
بَدَايَةٌ ≠ نِهَائِيَّةٌ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	حُزْنٌ ≠ سُورُورٌ	أَصْدِقَاءٌ ≠ أَعْدَاءٌ
بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ	يَنْفَعُ ≠ يَخْسِرُ	مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ
أَرَادِلٌ ≠ أَفَاضِلٌ				

### جمعهاى مكسر

غُصُونٌ - أَغْصَانٌ ← مُفْرَدٌ غُصْنٌ	أَنْجُمٌ ← مُفْرَدٌ نَجْمٌ	أَنْعَمٌ - نِعَمٌ ← مُفْرَدٌ نِعْمَةٌ
أَحْجَارٌ ← مُفْرَدٌ حَجَرٌ	غُيُومٌ ← مُفْرَدٌ غَيْمٌ	دُرٌّ ← مُفْرَدٌ دُرٌّ
أَلْوَانٌ ← مُفْرَدٌ لَوْنٌ	أَرَادِلٌ ← مُفْرَدٌ أَرْدَلٌ	أَفَاضِلٌ ← مُفْرَدٌ أَفْضَلٌ
أَبْوَابٌ ← مُفْرَدٌ بَابٌ	أَبْحَاثٌ ← مُفْرَدٌ بَحْثٌ	أَيَّامٌ ← مُفْرَدٌ يَوْمٌ
فُصُولٌ ← مُفْرَدٌ فَصْلٌ	مَلَابِسٌ ← مُفْرَدٌ مَلْبَسٌ	أَنْفُسٌ - نَفُوسٌ ← مُفْرَدٌ نَفْسٌ

### انواع فعل

مصدر	نهی	امر مفاطب	فعل مضارع	فعل ماضی
الْحَمْدُ	لَا تَكْتُبُ	أَنْظُرْ	يُخْرِجُ	خَلَقَ
حِكْمَةٌ		إِنِحْثْ	أَحِبُّ	جَعَلَ
قُدْرَةٌ		قُلْ	أَنْ أَسَافِرَ	نَمَتْ
التَّعَارُفُ		اُكْتُبْ	تُسَافِرُ	صَارَتْ
حِوَارٌ		صَعْ	تَكْتَبُونَ	أَوْجَدَ
عَفْوًا		تَرَجِّمْ	يَنْزِلُ	زَانَ
اللِّقَاءُ		أُرْسُمْ	يَدُورُ	أَنْزَلَ
السَّلَامَةُ			يَتَفَكَّرُونَ	سَافَرَتْ
أَمَانٌ				شَاءَ
حِفْظٌ				كَتَبْتُمْ
حَرَارَةٌ				رَقَدَ
بَيْعٌ				نَامَ
شِرَاءٌ				
خَلْقٌ				



دانش آموز عزیز! این بخش به عنوان خلاصه نویسی برای مرور سریع قبل از آزمون‌ها طراحی شده است. بنابراین باید ابتدا در فرصت‌های مناسب، درسنامه را به طور کامل مطالعه کرده باشید.

